

«دو انگشت رحمان، شیطان و فرشته است و قلب انسان بین این دو است. شیطان و سوسه و گمراه می‌کند و فرشته راهنمایی و هدایت می‌کند. شیاطین و فرشتگان وجود دارند و به واسطه آل محمد علیهم‌السلام استوارند. آل محمد علیهم‌السلام وجود دارند و به واسطه محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم استوارند و وجود دارد و قائم به خداوند است. همچنین همگی وجود دارند و به واسطه الله قوام یافته‌اند. به هر سو رو کنید، آل محمد علیهم‌السلام آنجا هستند؛ چراکه ایشان علیهم‌السلام وجه الله هستند.»

(سید احمد الحسن، روشنگری‌هایی از دعوت‌های فرستادگان، ج ۳، روشنگری از رؤیای یوسف).

### پاسخ به تئوفان اعتراف‌کننده | قسمت سوم

پاسخ به داستان گوشت شتر و تعلیم پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و دلیل باقی ماندن یهودیان نزد او اگر باور به نفی الوهیت مطلق داشتن عیسی علیه‌السلام نامشروع باشد، پس بر پایه انجیل عیسی علیه‌السلام حق نیست

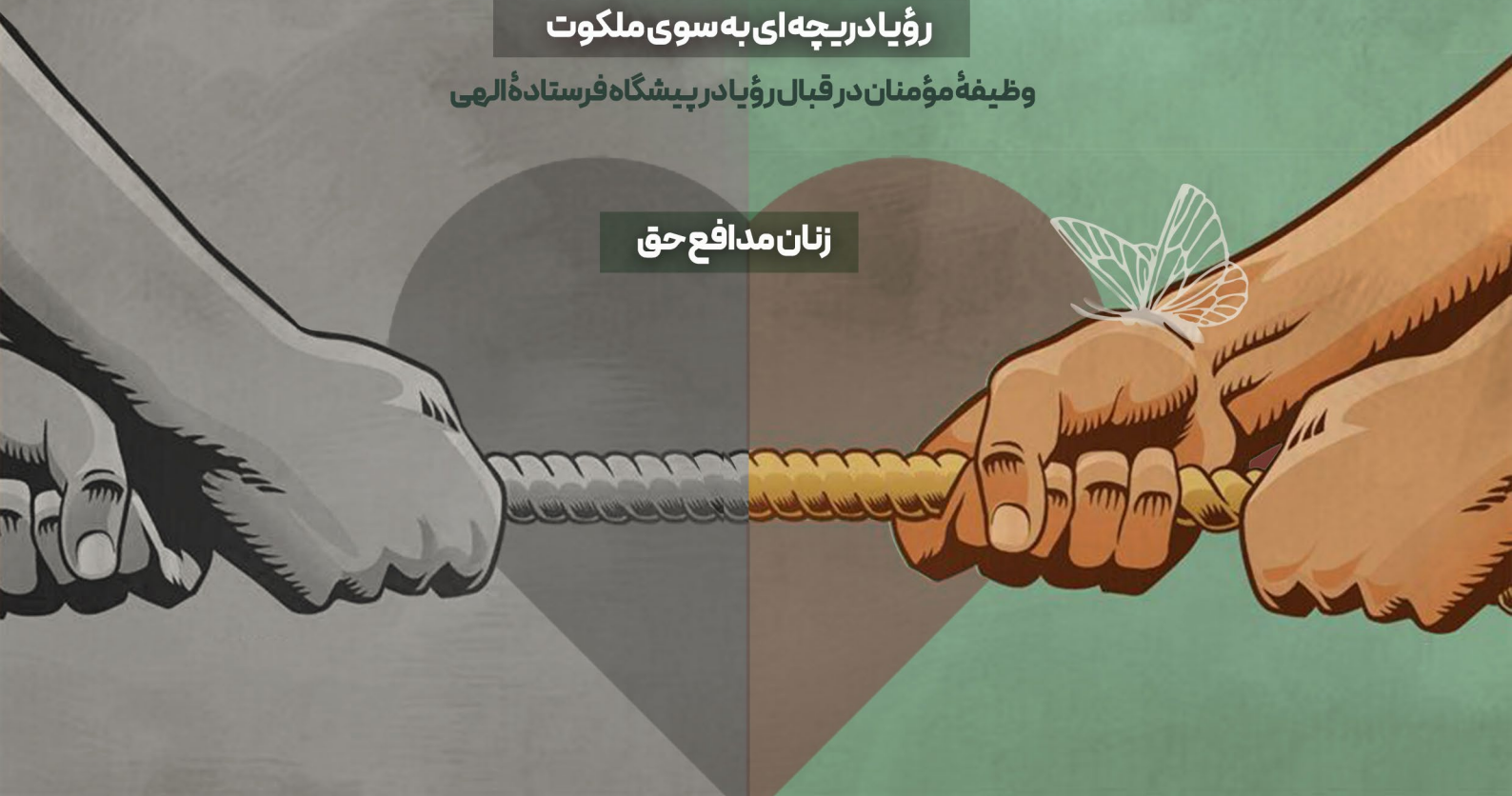
### گفتگوی داستانی درباره دعوت فرستاده عیسی مسیح (قسمت اول)

آیا ذکر صریح نام شخصیت بشارت داده شده شرط حقانیت اوست؟

### رؤیادریچه‌ای به سوی ملکوت

وظیفه مؤمنان در قبال رؤیادریچه‌گاه فرستاده الهی

### زنان مدافع حق



## سید احمد الحسن کیست؟

سید احمد الحسن، فرزند سید اسماعیل، فرزند سید صالح، فرزند سید حسین، فرزند سید سلمان، فرزند امام محمد بن الحسن العسکری علیه السلام است. ایشان وصی و فرستاده امام مهدی علیه السلام است و برای هدایت و زمینه‌سازی ظهور مقدس مبعوث شده است. همان یمانی موعود، برای شیعیان و همان مهدی متولدشده در آخرالزمان نزد اهل سنت که رسول الله صلی الله علیه و آله بشارت تولد ایشان را داده‌اند و نیز فرستاده‌ای از سوی حضرت عیسی علیه السلام و حضرت ایلیا علیه السلام برای مسیحیان و یهودیان است. ایشان دعوت الهی خویش را به‌دستور پدر بزرگوارش امام مهدی علیه السلام، در سال ۱۹۹۹ در نجف اشرف، پایتخت دولت عدل الهی آغاز نمودند و از آنجا دعوت امام مهدی همچون دعوت رسول الله به همه جهان انتشار یافت. سید احمد الحسن برای اثبات حقانیت خویش، به قانون معرفت حجت‌های الهی احتجاج می‌کنند: این قانون از سه اصل تشکیل می‌شود:

۱. نص الهی؛ یعنی وصیت شب وفات رسول الله صلی الله علیه و آله را مطرح کرده‌اند و نام مبارک احمد به‌عنوان مهدی اول در آن ذکر شده است.
۲. علم و حکمتی که برای هدایت همه مردم ارائه داده و با آن، همه علمای ادیان و بزرگان الحاد را به تحدی فراخوانده‌اند.
۳. پرچم البیعة لله (دعوت به حاکمیت خدا)

ایشان یکی از اوصیای رسول خدا صلی الله علیه و آله است که در وصیت آن حضرت در زمان وفاتش به وی تصریح شده است: از اباعبدالله جعفر بن محمد از پدرش امام باقر از پدرش صاحب پینه‌ها زین العابدین از پدرش حسین زکی شهید از پدرش امیرالمؤمنین؛ که فرمود: «...ای ابالحسن، صحیفه و دواتی حاضر کن؛ و پیامبر خدا صلی الله علیه و آله وصیتش را املا فرمود تا به اینجا رسید که فرمود: ای علی، پس از من دوازده امام خواهند بود و پس از آن‌ها دوازده مهدی. ای علی، تو نخستین دوازده امام هستی... و ایشان دوازده امام‌اند و سپس دوازده مهدی خواهد بود... پس اگر زمان وفاتش رسید، آن [خلافت] را به فرزندش، نخستین مهدیین تسلیم کند که سه نام دارد، نامی مانند نام من و نام پدرم که عبدالله و احمد است، و نام سوم مهدی است و او اولین ایمان آورندگان است.»

# پرسش و پاسخ

## فهرست

۳..... زنان مدافع حق.....

۵..... وظیفه مؤمنان در قبال رؤیادر پیشگاه فرستاده الهی...۵

گفت و گوی داستانی درباره دعوت فرستاده عیسی  
۱..... مسیح اقسامت اول.....

پاسخ به داستان گوشت شتر و تعلیم پیامبر ﷺ و دلیل  
۱۲..... باقی ماندن یهودیان نزد او.....



### هفته نامه زمان ظهور

شماره ۱۸۹ ، جمعه ۲۷ مهر ۱۴۰۳ ،  
۱۴ ربیع الثانی ۱۴۴۶ ، ۱۸ اکتبر ۲۰۲۴  
صاحب امتیاز: مؤسسه وارثین ملکوت

راه های ارتباطی:

[WWW.VARESin.ORG](http://WWW.VARESin.ORG)  
[WWW.ALMAHDYOON.CO](http://WWW.ALMAHDYOON.CO)



هر گونه برداشت از هفته نامه با ذکر منبع بلامانع است.

زمان ظهور منتظر دریافت نظرات، پیشنهادات و انتقادات  
سازنده شما عزیزان است.

السلامة علیکم وعلیٰ آئالتهم وعلیٰ ریحانهم  
وعلیٰ جمیع المؤمنین و المؤمنات  
وعلیٰ جمیع المسلمین و المسلمات  
وعلیٰ جمیع المومنین و المومنات  
وعلیٰ جمیع المومنین و المومنات

# زنان مدافع حق

اشک من از سر معرفت است یا تنها اشک عاطفی است که عایدی برایم ندارد! آری، تفاوت است بین اشک عاطفی و اشک از سر معرفت. اشکی که از دیدگان زینب علیها السلام در کربلا جاری شد، اشکی از سر معرفت بود و تداوم کربلا و ماندگاری اش مدیون همین معرفت ناب زنانه است. مقتدر و استوار و محکم همچون کوه پناهگاهی برای طفلان وحشت‌زده از نبرد نابرابر. خود از طوفان بلایا گذشته است اما پناهی است برای پسر برادر - علی بن حسین علیهما السلام - و تداوم امامتش. ببینید یک زن، تمام‌قد می‌ایستد برای تداوم امامت آل محمد علیهم السلام و هراسی ندارد از سرزنش سرزنش‌کننده؛ و این‌گونه است که قائم آل محمد علیه السلام زنان را متوجه عمهٔ عقیده اش می‌کند و می‌فرماید: «مثل زینب باش». [۱]

الگوی زینب علیها السلام مادرش فاطمه علیها السلام است؛ فاطمه‌ای که برای بازپس گرفتن حق غصب‌شدهٔ خلافت از علی علیه السلام درب منازل تک‌تک صحابه را دق‌الباب کرد تا تبلیغ کند امر امامت و ولایت علی علیه السلام را؛ آن هم در روزگار فتنه و آشوب که اولی و دومی و فرقهٔ تبه‌کارشان به راه انداخته بودند و در راهش از ریختن خون دردانهٔ رسول خدا صلی الله علیه و آله و سبب آفرینش افلاک، فاطمه زهرا علیها السلام هم نگذشتند. چه خون‌های پاکی از مادر تا فرزند... و این مسیر بر زمین ادامه یافت تا اینکه منتقم و منصور مبعوث شد.

**حال، ما زنان مؤمن انصاری باید نگاهمان به شیرزنانی باشد که برای امروز زمینه‌سازی کردند و در تندباد بلایا هرگز پرچم حق از دستان مبارکشان نیفتاد؛ پرچمی که امروز در دستان مقتدر سید احمدالحسن به اهتزاز درآمده و ندای حسین علیه السلام از حلقوم مبارکش به گوش می‌رسد که: «هل من ناصر ینصرنی»؟ ناصری هست برای حسین زمان؟**

پیش از دعوت سید احمدالحسن همیشه با خود می‌اندیشیدم ای کاش در زمان امام حسین علیه السلام می‌بودم و این امام غریب را یاری می‌دادم تا این‌گونه مظلومانه به مسلخگاه قدم نگذارد. آرزویی که شاید برای شیعیان دست‌نیافتنی بود. سال‌ها گذشت و با دعوت سید احمدالحسن، وصی و فرستادهٔ امام مهدی علیه السلام آشنا شدم و دانستم او همان میعاد الهی است که وعده‌اش را انبیا و اوصیا و به‌طور خاص محمد و آل محمد علیهم السلام داده‌اند. حالا به آرزویی که روزی آن را دست‌نیافتنی می‌دیدم نزدیک‌تر شده‌ام.

## به راستی یاری من به عنوان یک خانم در این دعوت مبارک چگونه است؟

**آیا زنان هم می‌توانند دوشادوش مردان از همهٔ حقی که موعود با خود آورده است، دفاع کنند؟**

قطعاً خانمی که مجرد است با فراغ بال بیشتری می‌تواند به دعوت خلیفهٔ الهی خدمت کند؛ اما یک خانم متأهل چگونه می‌تواند یاریگر دعوت الهی باشد؟ مخصوصاً زمانی که همسرش نیز مؤمن است. به یاد همسر «زهیر بن قین» افتادم؛ کسی که همسرش را از منجلاب فرش به عالی‌ترین درجات عرش رسانید و زهیر عثمانی‌مسلك را به یاری پسر فاطمه علیها السلام فراخواند و عاملی بود برای تحول شوهرش تا از راه تجارت به مسیر ناب شهادت وارد شود و هم‌پای قربانی عرش خدا حسین بن علی علیهما السلام نام خود را در سجدات جاودانهٔ حیات به ثبت برساند. ببینید تأثیر کلام یک زن بر مردش را. پس خود را دست‌کم نگیریم. اگر در یادآوری کوچهٔ بنی‌هاشم بر مصائب فاطمه زهرا علیها السلام سرور زنان عالمیان، اشک از دیدگانم سرازیر می‌شود و منتقم را فریاد می‌کنم باید بدانم اکنون زمان، زمان ابتلا و امتحان من است. آیا

مدافعان غیوری برای آل الله؛ مدافعانی همچون: خدیجه کبری (علیها السلام) که دوشادوش نبی الله محمد (صلی الله علیه و آله) از سختی‌های روزگار صدر اسلام نوشید و اعتراضی نکرد و در بحرانی‌ترین شرایط دعوت حق را لبیک گفت... ام‌البنین مادر ابا الفضل العباس (علیه السلام) که چهار فرزندش فدای «حاکمیت خدا» شدند... آسیه همسر فرعون که از اعتقادش به آیین موسی (علیه السلام) دست نکشید تا بر اثر شکنجه به دست فرعون کشته شد... سمیه همسر یاسر و مادر عمار در حالی که او را وادار به توهین و سب رسول خدا (صلی الله علیه و آله) می‌کردند جز شهادت بر یگانگی الله و رسالت محمد (صلی الله علیه و آله) کلامی از او شنیده نشد تا بر اثر نیزه ابو جهل در قلبش جان به جان آفرین تسلیم کرد. حال در این برهه از تاریخ که گویی گل سرسبدش هم هست، شایسته این است که بر دنیای فانی و زوال‌پذیر چیره شویم و همراه با پسر فاطمه (علیها السلام) در بنای دولت عدل الهی با هر آنچه در توان داریم ایستادگی کنیم. همان‌گونه که سید احمد الحسن خطاب به زنان مؤمن می‌فرماید: «در بیان حق و ابلاغ به مردم کوتاهی نکنید، چه تبلیغ چهره‌به‌چهره باشد و چه از طریق رسانه‌هایی که در دسترس شماست مانند اینترنت؛ همان‌طور که بسیاری از برادران انصار شما مبادرت ورزیده‌اند به انتشار مقالات در روزنامه‌هایی که در اینترنت منتشر می‌شود و مردم بخش عمده‌ای از کشورهای جهان مطالعه می‌کنند. این کار بسیار اثرگذار بوده و باعث گرویدن برخی مردم از کشورهای مختلف بوده است.» [۵] لذا از خدا می‌خواهیم در پیشگاه پسر مظلوم فاطمه (علیها السلام) دوشادوش مردان آنچه را رضایش در آن است تقدیم آل محمد (علیهم السلام) کنیم. به امید آنکه در روز حشر شرمسار مادرش زهرای اطهر (علیها السلام) نشویم.

### پانویس

[۱] سید احمد الحسن، پیام صفحه فیس‌بوک، ۲۹ اوت ۲۰۲۰ م.



[۲] سید احمد الحسن، در محضر عبدالصالح، ج ۲، نقش زن در یاری حق. [۳] محمد، ۷.

[۴] خوارزمی، مقتل الحسین (علیه السلام). [۵] منبع ۲.

ناصری هست برای به تحقق پیوستن آرزوی انبیا و اوصیای الهی؟

نجوای حسین زمان شنیدنی است، آنجا که می‌گوید: «زن مؤمن مانند مرد مؤمن است. زن مؤمن نماز می‌گذارد، روزه می‌گیرد و دقیقاً مانند مرد مؤمن به آنچه مورد رضای خداوند سبحان است عمل می‌کند، مگر در برخی تفصیلات و خصوصیات. زن مؤمن مکلف است نسبت به دین خود معرفت یابد و در حد وسعش، حق را به مردم بشناساند و ابلاغ نماید.» [۲]

پس تکلیف مشخص است: معرفت نسبت به دین خدا و یاری‌اش و شناساندن حق به مردم

و تبلیغ دعوت حق؛ مرد و زن هم ندارد. (یا

**أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَنصُرُوا اللَّهَ يَنصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ**

**أَقْدَامَكُمْ)** [۳] (ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اگر

خدا را یاری کنید، شما را یاری می‌کند و گام‌هایتان را استوار می‌دارد).

مبادا به خاطر مصائب و ترس از حرف این‌وآن دست از یاری‌اش برداریم؟ مبادا از ترس اخراج شدن شوهرانمان از محل کارشان، آنان را از تبلیغ در راه حق منصرف کنیم؟ خودمانی بگویم مبادا غرولندکنان مرتب بگوییم «چرا تو باید بری تبلیغ؟ چرا فقط تو؟ آگه تو رو بگیرن و بری زندان تکلیف من و بچه‌ها چی می‌شه؟» اتفاقاً اگر صاحب فرزند هستی به نظرم تکلیف دوچندان است.

در کنار اینکه همسرت را به مسیر حق سوق می‌دهی، باید به تربیت نسلی پیردازی که از جان گذشته برای مهدیین (علیهم السلام) شوند. مادری باشی همچون «ام‌وهب» که در کربلا وهب بیست و پنج ساله تازه‌دامادش را ترغیب و تشویق می‌کند به یاری حسین (علیه السلام) و به او می‌گوید: «برخیز. ای پسر من. و فرزند دختر پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) را یاری ده.» و وقتی سرش را برای این مادر غیور هدیه می‌فرستند،

مادرش سر وی را برگرفت و آن را بوسید و با عمود خیمه، [به دشمن] حمله کرد و با آن دو تن را کشت؛ تاجایی که امام حسین (علیه السلام) به او فرمود: «ام‌وهب، بازگرد که جهاد از دوش زنان برداشته شده است.» او نیز بازگشت.. [۴] غیور و تسلیم‌امر امام خویش.

از این قبیل زنان کم نیستند،

از این قبیل زنان کم نیستند،

از این قبیل زنان کم نیستند،

«رؤیا» در چاه‌ای به سوی ملکوت

# وظیفه مؤمنان در قبال رؤیا در پیشگاه فرستاده الهی

به قلم: نور دخت مهدوی

## مقدمه

رؤیا، سفری شیرین و روحانی است که روح را صیقل می‌دهد...

قرآن را که تورق می‌کنی و به سوره یوسف می‌رسی، یکتای بی‌همتا آن را «احسن القصص» می‌خواند و یوسف (علیه السلام) را صدیق معرفی کند، زیرا او رؤیا را تصدیق نمود. پس رؤیای صادقه که از عوالمی نازل می‌شود که لحظه‌ای خدا در آن معصیت نشده، گواراست، اما سؤالاتی حول آن ذهن آدمی را درگیر خود می‌کند:

به چه رؤیاهایی باید عمل کرد؟

آیا می‌توانیم از رؤیا عقیده و احکام اخذ کنیم؟

آیا مؤمنان زبان ملکوت را می‌شناسند؟

حدود و میزان عصمت در رؤیاهای مؤمنان می‌توانند تشخیص دهند؟ راه عصمت و امنیت

در مسئله رؤیا چیست؟

آیا هر رؤیایی قابل بازگفتن است؟

آیا رؤیا می‌تواند سببی برای آسیب به مؤمنان باشد؟ آیا رؤیا برای بیننده‌اش می‌تواند آفتی

داشته باشد؟

در این نوشتار قصد داریم به اختصار به برخی مسائل حول محور رؤیا بپردازیم.

## ماهیت رؤیا از منظر دین

در روایات اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام) رؤیاهای به سه بخش تقسیم می‌شوند: بشارتی از سوی خدا برای مؤمن، ترساندنی از سوی شیطان و آنچه

از نفس آدمی است.

امام موسی بن جعفر (علیه السلام) فرمود: «رؤیا سه نوع است: بشارتی از طرف خدا، غم و اندوهی از طرف شیطان، و آنچه برای نفس انسان اتفاق می‌افتد و آن را در خواب خود می‌بیند.» [۱]

از ابوهیریره نقل شده است که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: «وقتی آن زمان نزدیک شود رؤیای مؤمن به سختی تکذیب می‌شود؛ و راست‌گوترین آنها در رؤیاهای راست‌گوترین مردم است، و رؤیای مسلمان قسمتی از چهل و شش قسمت نبوت است؛ و رؤیا سه تاست: رؤیای صالحه که بشارتی از خداست؛ رؤیایی که ترس و اربابی توسط شیطان است؛ و رؤیا درباره چیزی که کسی به نفس خودش می‌گوید...» [۲]

سید احمدالحسن نیز می‌گوید: «انسان در بیداری و خوابش همیشه بین سه امر است و چیزی بیرون از این‌ها نیست: نور، نفس، ظلمت یا به عبارت دیگر: خدا، نفس، جهل؛ یا به عبارت دیگر: فرستادگان خدا یعنی فرشتگان و ارواح پاکیزه، نفس، شیطان و سربازانش. بنابراین سه جهت وجود دارد: جهتی که همان نفس انسان است و جهتی که خیر است و جهتی که شر است؛ پس حتی بدون هیچ رؤیا یا کشفی، هر انسانی هنگامی که در ذهنش افکاری می‌چرخد یا خیر و دعوت‌کننده به خیر است که در این صورت از سمت خداست یا شر و دعوت‌کننده به شر است که در این صورت از شیطان است یا اوهام

مذهب واقفیه بود. به او گفتم: از خدا بترس. من هم مثل تو (واقفی) بودم؛ سپس خداوند قلبم را نورانی کرد. پس چهارشنبه و پنجشنبه و جمعه را روزه بگیر و غسل کن و دو رکعت نماز بخوان و از خدا بخواه که در خوابت چیزی به تو نشان بدهد که این امر [ولایت امام رضا (علیه السلام)] برایت اثبات شود. پس به خانه برگشتم درحالی که نامه‌ای از سوی امام رضا (علیه السلام) به من رسیده بود که در آن نامه مرا امر می‌کرد که آن شخص واقفی را تبلیغ و دعوت کنم به این امر. پس به سمت او رفتم و از این امر آگاهش کردم و به او گفتم که خدا را حمد کن و صد بار استخاره (طلب انتخاب از خدا) کن و گفتم که من نامه امام رضا (علیه السلام) را یافتم که مرا توصیه کرده به تو بگویم درباره آنچه در آن بودیم. و من امیدوارم که خداوند قلبت را نورانی کند. پس آنچه گفتم یعنی روزه و دعا را انجام بده. پس آن مرد واقفی روز شنبه هنگام سحر نزد من آمد و گفت شهادت می‌دهم که علی بن موسی الرضا امام مفترض الطاعة است. گفتم: چطور؟ گفت: دیشب ابوالحسن (علیه السلام) در خوابم آمد و فرمود: ای ابراهیم، به خدا سوگند حتماً به سوی حق برمی‌گردید. و گمان داشت که غیر از خدا هیچ‌کس بر این قضیه مطلع نبوده است.» [۱۲]

روایت فوق یادآور پاسخی است از جانب سید احمدالحسن برای کسی که به دنبال کوتاه‌ترین راه ایمان به غیب بود تا از طریق آن بتواند به حقانیت دعوت ایشان ایمان بیاورد: «کوتاه‌ترین راه ایمان به غیب، خود غیب است. بعد از اینکه سه روز روزه گرفتی و به حضرت فاطمه (علیها السلام) دخت گرامی پیامبر (صلی الله علیه و آله) متوسل شدی، از خداوند بخواه که حقیقت را به وسیله رؤیا یا مکاشفه یا به هر نشانه‌ای از نشانه‌های غیبی ملکوتی خداوند سبحان و متعال، از سوی خداوند بشناسی.» [۱۳] نکته حائز اهمیت در خصوص این نوع از رؤیاها که دلیلی بر تشخیص مصداق خلیفه الهی به شمار می‌رود، این است که شروطی آن را همراهی می‌کند؛ از جمله شروط صحت رؤیا:

- اینکه در رؤیا پیامبران یا امامان دیده شوند  
- خلفای تنصیب شده از جانب خدا، یا در رؤیا فرشته‌ای از فرشتگان خدا رؤیت شود، یا نامی از نام‌های خداوند یا آیه‌ای از کتب آسمانی مانند قرآن، یا رمزهای حکیمانه‌ای دیده شود که محال است از ابلیس و ارتش سفیاهش صادر شود

و تخیلاتی است، پس از هوای نفس است. چیزی غیر از این سه یافت نمی‌شود.» [۳]

### رؤیا دلیلی بر تشخیص مصداق خلیفه خدا

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: **(وَأَرْسَلْنَاكَ لِلنَّاسِ رَسُولًا وَكَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا)** [۴] (و تو را برای مردم به عنوان رسول فرستادیم و اینکه خدا شهادت می‌دهد کافی است). مشابه چنین آیه‌ای در قرآن بارها تکرار شده است. [۵]

خداوند چگونه بر رسول خود شهادت می‌دهد؟ رسولش را به سمت مردم فرستاده و قطعاً اولین حامی و شاهدش بر او خود خداست.

اما چگونه؟ **(وَإِذْ أَوْحَيْتُ إِلَى الْخَوَارِجِ أَنْ آمِنُوا بِي وَبِرَسُولِي قَالُوا آمَنَّا وَاشْهَدْ بِأَنَّا مُسْلِمُونَ)** [۶] (و [یاد کن] هنگامی را که به خواریون وحی کردم که به من و فرستاده‌ام ایمان آورید، گفتند ایمان آوردیم و گواه باش که ما مسلمانیم).

گواهی خداوند به خواریون در این آیه قرآنی بسیار روشن است. خداوند می‌فرماید من به خواریون وحی کردم که به فرستاده من - عیسی (علیه السلام) - ایمان بیاورید. وحی نیز از دو طریق صورت می‌گیرد: «رؤیا در خواب و رؤیا در بیداری.» [۷] درباره دعوت رسول الله محمد (صلی الله علیه و آله) نیز خداوند خود را گواهی بر رسالتش قرار داده و می‌فرماید:

**(وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَسْتَ مُرْسَلًا قُلْ كَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ)**

[۸] (و کسانی که کافر شدند می‌گویند تو فرستاده نیستی. بگو کافی است خدا و آن کس که نزد او علم کتاب است میان من و شما گواه باشد). روایات هم بر این امر صحه می‌گذارند، همان‌طور که جندب بن جناده یهودی با رؤیا به پیامبر (صلی الله علیه و آله) ایمان آورد. [۹] و ایمان افراد دیگری همچون سعد بن ابی وقاص و خالد بن سعید نیز از همین طریق بوده است. [۱۰] [۱۱] و این شهادت‌های ملکوتی بر جانشینان پیامبر (صلی الله علیه و آله) نیز صدق می‌کند تا جایی که در بحبوحه بزرگ‌ترین فتنه گریبان‌گیر شیعه یعنی «فتنه واقفیه» در عصر امام علی بن موسی الرضا (علیه السلام) راهی جهت گریز از آن فتنه برای بیننده‌اش یعنی صفوان جمال شد.

حسن بن علی و شاء می‌گوید: در مرو (خراسان) نزد مردی بودیم و همراه ما یکی از پیروان

الهی. بنابراین رؤیا راهی برای شناساندن صاحب حق به مردم است، و از طریق آن می‌توان مصداق را مشخص کرد. این عاملی بود که باعث شد پیامبر خدا یعقوب علیه السلام، یوسف علیه السلام را از تعریف کردن رؤیا برای برادرانش نهی کند؛ زیرا در این صورت آنها - در حالی که پیامبر نبودند - متوجه می‌شدند یوسف علیه السلام جانشین پدرش یعقوب علیه السلام خواهد بود. و در روایت‌های آل محمد علیهم السلام رؤیا به عنوان علامتی از علامت‌های ظهور قائم علیه السلام توصیف شده است. [۱۷]

### آیا می‌توان از رؤیا احکام و عقیده اخذ کرد؟

شاید شما هم شنیده باشید که بر مؤمنان به دعوت سید احمدالحسن دروغ می‌بندند که آنان از رؤیا عقیده اخذ می‌کنند، درصدد پاسخ به این شبهه نیستیم؛ چراکه صاحب این دعوت بطلان این گفته آنان را آشکار می‌کند، آنجاکه در کتاب عقاید اسلام این‌گونه این مبحث را تبیین می‌کند:

«رؤیا در دین خدا اعم از احکام و عقاید، حجیتی ندارد مگر در موردی که نص (قرآن و روایات) آن را اثبات کند و آن مورد خاصی که رؤیا حجیت دارد در مسئله تشخیص مصداق حجت خدا در زمین است؛ پس رؤیاهای ادعایی در تأیید هر ادعا یا اعتقاد غیرمبتنی بر دلیل، هیچ ارزش شرعی ندارد، مثل عقیده تقلید از غیرمعصوم و خلافت رسول الله صلی الله علیه و آله با شورا یا حجیت فلانی که خلیفه خدا نیست؛ و عقاید انحرافی مشابه که اصحاب آن عقاید هیچ دلیل شرعی یا حتی دلیل عقلی قابل اعتمادی برای اثبات آنها اقامه نکرده‌اند.» [۱۸] کوتاه، واضح و به دور از هرگونه هیاهو «تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل!»  
در این گفتار سید احمدالحسن تلنگری برای مؤمنان نیز نهفته است که امید است در تک‌تک

**(وَمَا تَنْزَلَتْ بِهِ الشَّيَاطِينُ \* وَمَا يَنْبَغِي لَهُمْ وَمَا يَسْتَطِيعُونَ) [۱۴]** (و شیاطین آن را نازل نکرده‌اند\* و سزاوار آنان نیست و قدرت ندارند).

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «هرکس مرا در خواب ببیند به درستی مرا دیده است، چون شیطان نمی‌تواند به شکل من و هیچ کدام از جانشینانم درآید.» [۱۵]

- همچنین رؤیا موعظه و پند و دعوت به خیر باشد.

- و از اخباری باشد که در آینده محقق شود.

### و از جمله شروط حجیت رؤیا:

**الف)** با نصّ تشخیصی الهی (نصی که مصداق را مشخص می‌کند) که از خلیفه قبلی خدا صادر شده مطابقت دارد - همچون رؤیاهایی که مؤمنان در کشورهای مختلف دنیا بر حقانیت دعوت سید احمدالحسن دیدند و تطابقی که با نصّ تشخیصی وصیت رسول خدا صلی الله علیه و آله در شب وفات ایشان دارد - پس رؤیاهای بدون نصّ تشخیصی فاقد حجیت است؛

**ب)** وقتی رؤیاها بسیار و مستمر باشد و اشخاص متفرقه آن را ببینند که هیچ نوع ارتباطی بین آنها قبل از ایمانشان به دعوت‌کننده حق وجود نداشته باشد تا کسی که رؤیاهای آنها را می‌شنود تصور کند که آنها بر دروغ تبنای کرده‌اند. (منظور تواتر رؤیاهاست).

**ج)** به‌طور کلی در نصّ کردن بر شخصی معین، محکم و استوار باشد (شخص معینی را با نام و اوصافش معرفی کند). [۱۶]

این نوع نص - معرفی‌نامه از جانب خدا - در هر زمانی درگاهی گشوده است برای شناخت خلیفه الهی و شاهد و گواهی است از سوی خداوند بر فرستاده برحقش. پس این نوع از رؤیاها با شروطی که ذکر شد برای بیننده‌اش و اشخاص دیگر دلیلی است بر تشخیص مصداق خلیفه



شوند.

دکتر شیخ ناظم عقلی می‌گوید: «... وقتی خداوند تو را از راه ملکوتش هدایت نمود و به تو توفیق داد و به حجت و خلیفه‌اش در زمین رسیدی و او را تصدیق کردی و با او همراه شدی و با او حرکت کردی، در این هنگام رؤیا باید به حجت عرضه شود و بدون مشورت و عرضه به حجت نباید به آن عمل شود؛ به این خاطر که به سادگی اگر هر انسانی که با معصوم است و رؤیا ببیند و این رؤیا را تطبیق دهد و به این رؤیا مستقیماً عمل کند، این فرد نیز به تنهایی حجت می‌شود و حجت‌ها به تعداد مؤمنان به دعوت حق می‌شوند. اگر هزار فرد باشند که به حجت خداوند ایمان داشته باشند، در حقیقت هزار حجت می‌شوند و هزار پیامبر می‌شوند؛ در نتیجه نقش حجت و وجود آن، مانند نبود اوست، سودی برای حجت نیست، به این خاطر که مردم مستقیماً از سوی خداوند سبحان و متعال می‌گیرند و آن را تطبیق می‌دهند...» [۲۱]

### تأویل رؤیا فقط نزد خلیفه الهی است

رؤیا (رؤیای صادقانه) حقی است از جانب خداوند سبحان و متعال چه مؤمن آن را ببیند و چه کافر؛ و تأویلش نزد کسی است که از جانب خداست، چون اوست که کلمات خداوند را از عوالم ملکوتی می‌شناسد. با گذری بر رؤیای پادشاه مصر [۲۲] در زمان یوسف علیه السلام درمی‌یابیم کلمات خداوند حتی بر کافری چون او نیز از طریق رؤیا نازل می‌شود؛ کلماتی که خواب‌گزاران اعظم آن را حقیر شمردند و اضغاث احلامش [۲۳] (خواب‌های پریشان) خواندند، اما فرعون مصر نتوانست این کلمات ملکوتی را نادیده بگیرد و در جست‌وجوی فردی برآمد که توانایی تأویل آن را داشته باشد و به اذن خدا به یوسف علیه السلام رسیدند و ایشان نه تنها رؤیا را تأویل نمود، بلکه اقتصاد مصر را در آن زمان بر پایه همین رؤیا بنا کرد و تمکینش بر زمین -مصر- در راستای تأویل چنین رؤیایی بود. فرستادگان الهی عالم به ملکوت خداوند و راه‌های آسمان هستند؛ پس آنان بهترین افرادی هستند که از حقیقت کلماتی که از آسمان‌ها نازل می‌شود باخبرند و سایرین از چنین علمی بی‌بهره‌اند حتی اگر دیگران آنان را خواب‌گزار آن هم از نوع اعظمش بنامند.

محمد التمیمی یکی از انصار سید احمد الحسن

کلمات ایشان که از روی حکمت صادر شده تدبیر کنیم تا در آماج حمله فتنه‌ها در امان بمانیم.

### آیا تطبیق رؤیا می‌تواند سببی برای فتنه و امتحان مؤمنان باشد؟

رؤیا در چهره‌ای است به سوی ملکوت که از طریق آن اخبار آسمان به زمین منتقل می‌شود و در آخرالزمان نقش بارزی دارد در برقرار کردن ارتباط بین عالم ملکوت و ملک. در طریق وحی که ارتباط مستقیمی با میزان معرفت بنده دارد و خط شروع عالم ملکوت است نیاز به معلمی الهی است تا دستگیر افرادی شود که خواهان رسیدن به این معرفت و بالا رفتن از نرده‌بان آن هستند؛ همان‌گونه که از آل محمد علیهم السلام آمده: «ما ساخته‌های ما هستند.» [۱۹] این درگاه با آمدن وصی و فرزند امام مهدی علیه السلام امروز پیش‌روی مؤمنان بیش از پیش گشوده شده؛ همان صاحب الامری که دروازه ملکوت خداوند سبحان است که به فرمان پدرش امام مهدی علیه السلام گشوده می‌شود؛ زیرا امام مهدی علیه السلام طبق نام‌گذاری اهل کتاب، صاحب دولت ملکوت خدا و همان پادشاه روز جزا (ملک یوم الدین) است. [۲۰] حال که با آمدن این فرستاده الهی و به سبب فیض و رحمت خدا در ب‌های ملکوت گشوده شده، لازم است بدانیم رؤیا که نقل‌کننده تصویر ملکوت است، حامل علم غیب است، یعنی همان علم الهی که از جمله ارکان قانون شناخت حجت‌های الهی است و جز در فردی که از جانب خدا و رسولش معرفی شده وجود ندارد، پس اوست که رموز و نمادهای ملکوتی را می‌داند و او محل مراجعه مؤمنان خواهد بود؛ یعنی او کسی است که حامل علم الهی است و عوالم غیب را به دلیل سیطره‌ای که بر آنان دارد می‌شناسد و می‌تواند اسرار ملکوتی را برای مؤمنان بازگو کند و مؤمنان در این حیطة جایگاهی ندارند و نمی‌توانند رؤیا را تطبیق داده و طبق دیدگاه خودشان به آن عمل کنند، همچنین نمی‌توانند از طریق دیدن رؤیا میان خود مسئولیت‌هایی را در دعوت الهی تقسیم کنند و نمی‌توانند از طریق رؤیا بدون داشتن نص دینی عقیده‌ای بنا بگذارند یا به حکم شرعی عمل کنند. پس مرجع عرضه رؤیا حجت الهی است تا کلام او فصل الخطاب باشد و مؤمنان با تسلیم خود بر این فرستاده سجده‌گزار خداوند سبحان و متعال

به ودیعه گذاشته شده و رکنی از ارکان شناخت خلفای الهی است که او را از سایر مدعیان دروغین متمایز می‌کند. پس بر همگان واجب است از تأویل رؤیایها و تطبیق آنها خودداری کنند و خود را در این جایگاه قرار ندهند؛ چراکه می‌تواند سبب فتنه‌انگیزی و حتی هلاکت خود فرد و دیگران شود.

#### منابع

- [۱] دارالسلام، میرزا حسین نوری طبرسی، ج ۴، ص ۱۵۵.
- [۲] صحیح مسلم، ج ۲، حدیث ۲۲۶۳.
- [۳] سید احمد الحسن، عقاید اسلام، پاورقی، ص ۱۱۰-۱۱۱.
- [۴] نساء، ۷۹.
- [۵] نساء، ۱۶۶؛ رعد، ۴۳؛ اسراء، ۹۶؛ عنکبوت، ۵۲؛ فتح، ۲۸.
- [۶] مائده، ۱۱۱.
- [۷] سید احمد الحسن، عقاید اسلام، مبحث نص از سوی خدای سبحان، ص ۹۹.
- [۸] رعد، ۴۳.
- [۹] کفایة الأثر فی النص علی الأئمة الإثني عشر، ص ۵۸.
- [۱۰] تاریخ مدینة دمشق، ابن عساکر، ج ۲۰، ص ۲۹۹.
- [۱۱] الطبقات الكبرى، ابن سعد، ج ۴، ص ۹۴؛ المستدرک، الحاکم، ج ۳، ص ۲۴۸؛ أسد الغابة، ابن الأثیر، ج ۲، ص ۸۲.
- [۱۲] الخرائج و الجرائح، ج ۱، ص ۳۶۶.
- [۱۳] سید احمد الحسن، پاسخ‌های روشن‌گرانه بر بستر امواج، ج ۱، سؤال ۱.
- [۱۴] شعرا، ۲۱-۲۱۱.
- [۱۵] شیخ صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۵۸۵.
- [۱۶] ر.ک: سید احمد الحسن، عقاید اسلام، نص از سوی خدای سبحان، ص ۹۴-۱۲۲.
- [۱۷] ر.ک: دکتر زکی الانصاری، در پیشگاه صیحه، مبحث تعلق رؤیا به صاحب‌الامر، ص ۱۵۱-۱۷۱.
- [۱۸] سید احمد الحسن، عقاید اسلام، ص ۱۲۱.
- [۱۹] نهج البلاغه، خطبه‌های امام علی (علیه السلام)، ج ۳، ص ۳۲.
- [۲۰] ر.ک: دکتر زکی انصاری، در پیشگاه صیحه، ص ۱۶۴.
- [۲۱] دیدار با شیخ ناظم عقیلی، در روم فارسی انصار امام مهدی (علیه السلام) در پالتاک (۲۹ شهریور ۱۳۹۵، ۱۷ ذوالحجه ۱۴۳۷).



- [۲۲] (قَالَ الْمَلِكُ إِنِّي أَرَى سَبْعَ بَقَرَاتٍ سَوِيَّاتٍ يَأْكُلْنَ مِنْ سَبْعِ عَجَافٍ وَسَبْعَ سُنْبُلَاتٍ خَضْرٍ وَأَخْرَ يَابَسَاتٍ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ أَفْتُونِي فِي رُؤْيَايَ إِنْ كُنْتُمْ لِلرُّؤْيَا تَعْبُرُونَ) (یوسف، ۴۳) (و پادشاه [مصر] گفت من [در خواب] دیدم هفت گاو فربه است که هفت [گاو] لاغر آنها را می‌خورند و هفت خوشه سبز و [هفت خوشه] خشکیده دیگر. ای سران قوم، اگر خواب تعبیر می‌کنید درباره خواب من به من نظر دهید).
- [۲۳] (قَالُوا أَضْغَاتٌ أَحْلَامٍ وَمَا نَحْنُ بِتَأْوِيلِ الْأَحْلَامِ بِعَالَمِينَ) (یوسف، ۴۴) (گفتند خواب‌هایی است پریشان و ما به تعبیر خواب‌های آشفته دانا نیستیم).
- [۲۴] سید احمد الحسن، پاسخ‌های روشن‌گرانه بر بستر امواج، ج ۵، پرسش ۵۰.

می‌نویسد:

«سرور و مولایم، در خواب دیدم که از خداوند فرمان رسیده است که همسرم را ذبح کنم. من به سمت همسرم که با من در خانه بود رفتم و درحالی‌که چاقو در دست داشتم به او گفتم خداوند به من دستور داده است که تو را ذبح کنم. وقتی همسرم این جمله‌ام را شنید فوراً تسلیم شد و به پشت خوابید و سرش را کج کرد و گردنش را برایم آشکار کرد و به من گفت: سرم را بپر. ولی من نتوانستم او را ذبح کنم و درحالی‌که در دستم چاقو داشتم گریه کردم و گفتم: نمی‌توانم تو را سر ببرم. سرور و مولایم، تفسیر این رؤیا چیست؟»

سید احمد الحسن در پاسخ به این شخص می‌نویسد: «تأویل رؤیا این است که تو را دستور داده است که به همسرت امر کنی همواره از حق پیروی کن و به عبادت و طاعت الهی و اخلاص برای خداوند بپردازد و تا آنجا که برای او ممکن و میسر است مستحبات را انجام دهد، مثل نماز شب. ذبح کردن او یعنی کشتن منیت و هوا و حب دنیا در نفس او.» [۲۴]

پس بر ماست آنچه را برای حجت خداست به او واگذاریم و در اموری که سبب فتنه و به هلاکت کشیدن خود و مؤمنان می‌شود وارد نشویم، زیرا چنین چیزی از ما خواسته نشده است. آنچه از ما خواسته شده عمل در پیشگاه این ولی مظلوم است.

#### سخن پایانی

سخن حول محور رؤیا بسیار است و در مجال این نوشتار نمی‌گنجد، اما آنچه لازم است بدانیم و بدان اشاره شد این است که رؤیای صادقانه کلام خداست که با آن با بنده‌اش سخن می‌گوید. مجرای جاری که همیشه ایام درگاهش بر مردم گشوده است و از طریقش خداوند خود را شاهدی بر رسالت فرستادگانش قرار می‌دهد و با رؤیا بشارت‌دهنده بر مؤمنان است که راهشان راهی است تصدیق‌شده از جانب حق تعالی؛ در نتیجه رؤیای صادقانه، وحی و نص الهی است که مردم به وسیله آن خلیفه خدا در زمین را می‌شناسند و این نص شروطی دارد که در همین مقاله به آن پرداختیم.

در رؤیای صادقانه که از جانب غیب است علم الهی نهفته است که این علم نزد خلیفه خدا

# گفت‌وگوی داستانی درباره دعوت فرستاده عیسای مسیح (قسمت اول)

## آیا ذکر صریح نام شخص بشارت داده شده شرط حقانیت اوست؟

به قلم: متیاس

نگران نشو!»

ساره با تعجب گفت: «موضوع مهمی نیست، اما تا این اندازه ذهنت را آشفته کرده؟! لطفاً بگو چه اتفاقی افتاده ییاس!»

الیاس که قصد نداشت همسرش را درگیر این خیر کند، از سر اجبار و به خاطر اصرارهای او بالأخره جواب داد و گفت: «راستش امروز پیام عجیبی دریافت کردم. شخصی پیام داده بود که فرستاده عیسی آمده! ساره من نمی‌توانم نسبت به این دروغ‌ها بی‌تفاوت باشم. در جواب آن شخص نوشتم که عیسی فرستاده‌ای ندارد!»

ساره لبخندی از سر تعجب زد و گفت: «باورم نمی‌شود ییاس! چطور اجازه می‌دهی که این چنین خبری، تو را آشفته کند؟ این اخبار را بخوان و بگذر و ذهن خود را درگیر این اکاذیب نکن. حتی بهتر بود وقت خود را برای جواب دادن به او هدر نمی‌دادی.»

الیاس پاسخ داد: «نه ساره، من نمی‌توانم بی‌تفاوت باشم. باید به این دروغ‌گوها بفهمانم که ما ایمان داران فریب نمی‌خوریم و ثابت می‌کنیم که این ادعا کذب محض است.»

الیاس از منزل خارج شد و در مسیر خانه تا

**فرستاده عیسی مسیح - احمد الحسن - ظهور کرد.**

این اولین پیامی بود که الیاس پس از ورود به تلگرام در روز شنبه با آن مواجه شد.

الیاس با خواندن این پیام بسیار متعجب شد و سپس به آن شخص که نام کاربری اش -و هب- بود، پاسخ داد و نوشت: «عیسی هرگز فرستاده‌ای نخواهد داشت. لطفاً این اکاذیب را نشر ندهید!»

سپس گوشی همراه خود را کنار گذاشت و نزد همسرش -ساره- رفت تا با یکدیگر صبحانه بخورند. الیاس صبحانه خود را خورد بدون اینکه حتی یک کلمه بر زبان بیاورد، و از ساره تشکر کرد و آماده رفتن به محل کار خود شد. ساره که متوجه بهت و سکوت الیاس شده بود، از او پرسید: «الیاس چه چیزی ذهن تو را آن قدر به خود مشغول کرده که حتی یک کلمه بر زبان نیاوردی؟!»

الیاس جواب داد: «موضوع مهمی نیست،

در صورتی که از همین ابتدا باطل بودن دلایلت  
برایم آشکار است. بیا و از کتاب مقدس ما بگذر.  
کتاب مقدس را کنار می‌گذاریم، چون می‌دانم  
که در هیچ کجای این کتاب از این شخص سخنی  
گفته نشده، اما سؤال دیگری دارم. از معجزات  
احمدالحسن برایم بگو. آیا او نیز مانند عیسی  
مرده را زنده می‌کند و مریضان را شفا می‌دهد؟  
الیاس با صدای ساره به خود آمد و گوشی  
همراهش را کنار گذاشت و به سراغ همسرش  
رفت. ساره از او خواست که به گردش بروند و  
کمی تا پارک نزدیک منزلشان قدم بزنند. در  
مسیر پیاده‌روی الیاس به او گفت: «می‌دانی  
داشتم به چه کسی پیام می‌دادم؟» ساره اظهار  
بی‌اطلاعی کرد و الیاس ادامه داد: «با همان  
شخصی که مدعی ظهور فرستاده عیسا است.  
پسر جوانی با نام کاربری وهب!» ساره با تعجب  
گفت: «الیاس تو واقعاً وقت را برای صحبت  
با چنین شخصی هدر می‌دهی؟! دنبال چه  
هستی؟ اگر باطل بودن این ادعا برایت محرز  
است، چرا وقت با ارزشت را برای او می‌گذاری؟!»  
الیاس جواب داد: «خودم هم نمی‌دانم چرا  
نمی‌توانم بی‌تفاوت باشم. ساره، این‌طور  
نیست که آنها فقط ادعایی به این بزرگی کنند و  
بروند، بلکه امروز برایم روشن شد که آنها کاملاً  
آماده پاسخ دادن به سؤالات ما هم هستند.  
می‌پرسم نام احمد در کجای کتاب مقدس آمده؟  
می‌گویند نام صریح عیسی در کجای عهد عتیق  
آمده است؟ می‌گویم عیسی دارای آیات رمزی  
بسیاری در عهد قدیم است که با اشاره از وی  
گفته‌اند، می‌گویند احمدالحسن هم این چنین  
است! او حتی می‌خواست آن آیات را بیاورد و  
برایم توضیح دهد که من عدم تمایلم را نشان  
دادم. اکنون از او فقط یک معجزه از احمدالحسن  
خواستم.» ساره بسیار ناراحت شد. اصلاً فکرش را  
نمی‌کرد که همسرش تا این اندازه این موضوع را  
جدی گرفته باشد و مدام از آن سخن بگوید. ناگاه  
فکری به سرش زد و گفت: «الیاس، این افراد  
حتماً آموزش دیده‌اند و ما که نسبت به آیات  
کتاب مقدس تخصصی نداریم، نمی‌توانیم از  
عهده پاسخ دادن به آنها بریابیم. چطور است  
نزد کشیش استیفان برویم و از او بخواهیم که  
راهنمایی‌مان کند.»  
این گفت‌وگوی داستانی ادامه دارد...

محل کار به آن پیام فکر می‌کرد. او آن قدر به  
فکر فرورفته بود که اصلاً متوجه گذر زمان نشده  
بود، و وقتی به خود آمد که همکارانش مشغول  
خداحافظی از یکدیگر بودند. گویی برای الیاس  
مهم‌ترین موضوع آن روز، جواب دادن به خبری  
بود که از سوی کاربر وهب به او رسیده بود.  
سرانجام الیاس تصمیم خود را عملی کرد  
و وارد مباحثه با وهب شد. او پیام خود را با  
این سؤال آغاز کرد که: «گفتی که فرستاده  
عیسی - احمدالحسن - ظهور کرده است! از تو  
می‌خواهم که به سؤالاتم دقیق پاسخ بدهی.  
نام احمد در کجای کلام عیسی و در کجای کتاب  
مقدس آمده است؟»  
او که به خیال خود شروع موفقی داشته است،  
با رضایت گوشی خود را کنار گذاشت و عازم منزل  
شد. ساعتی گذشت و وهب پاسخ داد. او نوشته  
بود: «دوست عزیز، مگر ذکر صریح نام شخص  
بشارت داده شده، شرط حقانیت اوست؟ آیا  
خود شما می‌توانی آیه‌ای از عهد قدیم بیاوری  
که به صراحت نام عیسی را به عنوان شخص  
بشارت داده شده برده باشد؟ اگر این درخواست  
رایک یهودی از شما داشته باشد و بخواهد که  
در اثبات حقانیت عیسی، نام او را در آیه‌ای از عهد  
عتیق بیاوری، چه جوابی به او می‌دهی؟»  
الیاس با خواندن پاسخ وهب برآشفته شد  
و نوشت: «احمدالحسن را با عیسی مقایسه  
می‌کنی؟! بله، نام عیسی به صراحت در عهد  
قدیم ذکر نشده، اما آیات بسیاری وجود دارند  
که بارمز و اشاره از وی سخن گفته‌اند و بشارت  
آمدنش را داده‌اند. احمدالحسن چه؟ در حقانیت  
او چه دارید بگویید؟»  
وهب: «بسیار عالی! از اینکه در مقابل این  
موضوع که نام عیسی به صراحت در عهد قدیم  
نیامده مقاومت نکردید متشکرم، اما از آیات  
رمزی در اشاره به عیسی گفتید و آنها را دلیل  
برحق بودن وی دانستید. خوب است بدانید که  
به احمدالحسن هم بارها بارمز و اشاره در کتاب  
مقدس بشارت داده شده است، اگر مایل باشید  
آن آیات را با یکدیگر بخوانیم و بررسی کنیم.»  
الیاس که ادعای وهب را بی‌اساس می‌دانست و  
آن را جدی نگرفته بود، پاسخ داد: «تلاش بیهوده  
نکن و وقت من را بگیر! می‌دانم می‌خواهی  
چه بکنی! می‌خواهی آیاتی را بیاوری و تلاش  
کنی تا ارتباطشان را به احمدالحسن ثابت کنی،

پاسخ به تئوفان اعتراف کننده | قسمت سوم

# پاسخ به داستان گوشت شتر و تعلیم پیامبر ﷺ و دلیل باقی ماندن یهودیان نزد او

اگر باور به نفی الوهیت مطلق داشتن عیسی علیه السلام نامشروع باشد، پس بر پایه انجیل عیسی علیه السلام حق نیست

به قلم: ارمیا خطیب

## • کلمات تئوفان اعتراف کننده

تئوفانس در ادامه کلماتش گفت:  
«اما وقتی [ایهودی] دیدند او گوشت شتر می خورد، فهمیدند که او کسی نیست که فکر می کردند، و در تنگنا بودند که چه کاری انجام دهند؛ ترسان از ارتداد از دین او، آن مردان نگون بخت به او چیزهای نامشروعی را ضد ما مسیحیان آموزش دادند و با او ماندند.» [۱]

## • ادعای ارتداد پس از خوردن گوشت

شتر توسط پیامبر ﷺ می گویم:  
تئوفانس ابتدا ادعا می کند که این ایهودی دین موسی علیه السلام را ترک می کنند و سپس می گوید آنها با دیدن خوردن گوشت شتر توسط حضرت



در قسمت پیشین ادعای تئوفانس درباره داستان ایمان ایهودی به پیامبر ﷺ و سپس ارتدادشان به چالش کشیده شد؛ از این رو که او ادعا کرد این ایهودی پیامبر خدا علیه السلام را به عنوان مسیح موعود پذیرفتند! در حالی که پیامبر خدا از نسل یسعی - پدر داوود علیه السلام - یا به عبارت دیگر از نسل اسحاق نبود، بلکه از نسل برادر اسحاق یعنی اسماعیل بود! از سوی دیگر ادعای او در این موضوع که آنان دین موسی را ترک کردند و به دین دیگری پیوستند اشتباه بود؛ زیرا همان طور که سید احمد الحسن برای ما به زیبایی آشکار کرد، دین موسی و محمد یکی است. تا اینجا مشخص شد که کلمات تئوفانس پر از دروغ و اشتباهات فاحش است. در ادامه نیز بسیار خواهید دید!

اما اینکه تئوفانس یا دیگران این تعلیم یا سایر تعالیم دیگر قرآن را نه وحی خدا بلکه از سوی انسان‌ها اعلام می‌کنند، ارزشی ندارد؛ چراکه خود خدا به حقانیت ایشان شهادت می‌دهد و قانون ثابت شناخت فرستادگان در هر زمان حقانیت پیامبر خدا حضرت محمد ﷺ را اثبات می‌کند. آری، ادعاهای آنان واهی است و ارزشی ندارد.

اما دو موضوع دیگری که علاقه دارم به آنها بپردازم این است:

### محور اول. دیدگاه قرآن درباره یهودیان و مسیحیان

بر فرض محال اگر آن ۱۰ یهودی از ابتدا بر پیامبر ﷺ احاطه داشتند، پس قطعاً کاری می‌کردند که وضعیت یهودیان دچار تزلزل نشود؛ یعنی با این حساب قرآن باید دیدگاه بسیار نرمی راجع به یهودیان می‌داشت تا به بقای جامعه یهودی کمک می‌کرد یا حداقل این‌گونه می‌بود که یهودیان را در وضعیت بهتری نسبت به مسیحیان قرار می‌داد؛ اما این چنین نیست! در قرآن می‌خوانیم:

\*مسلمانان یهودیان و کسانی را که شرک ورزیده‌اند دشمن‌ترین مردم نسبت به مؤمنان خواهی یافت و قطعاً کسانی را که گفتند ما نصرانی هستیم نزدیک‌ترین مردم در دوستی با مؤمنان خواهی یافت؛ زیرا برخی از آنان دانشمندان و رهبانانی‌اند که تکبر نمی‌ورزند\* و چون آنچه را به سوی این پیامبر نازل شده بشنوند می‌بینی بر اثر آن حقیقتی که شناخته‌اند اشک از چشم‌هایشان سرازیر می‌شود، می‌گویند پروردگارا ما ایمان آورده‌ایم، پس ما را در زمره گواهان بنویس\* [۶]

\*آنگاه به دنبال آنان پیامبران خود را پی‌درپی آوردیم و عیسی پسر مریم را در پی [آنان] آوردیم و به او انجیل عطا کردیم و در دل‌های کسانی که از او پیروی کردند رافت و رحمت نهادیم و [اما] ترک دنیایی که از پیش خود درآوردند، ما آن را بر ایشان مقرر نکردیم مگر برای آنکه کسب خشنودی خدا کنند؛ باین حال آن را چنان که حق رعایت آن بود منظور نداشتند؛ پس پاداش کسانی از ایشان را که ایمان آورده بودند بدان‌ها دادیم و [لی] بسیاری از آنان دستخوش انحراف‌اند\* [۷]

باور دارم که این متون به اندازه کافی روشن است و نیاز به توضیح اضافی ندارد و این نکته نیز می‌تواند نشان دهد که ادعای تئوفانس

محمد ﷺ مرتد شدند! دلیلی که می‌آورد این است که آنان همچنان به شرایعی که در تورات آمده بود - اعم از حرام بودن خوردن گوشت شتر- ایمان داشتند و حاضر نبودند آن را ترک کنند! هر عاقلی حق دارد بپرسد چگونه ممکن است آن ۱۰ نفر به حضرت محمد ﷺ - به عنوان کسی که متصل به خداست - ایمان بیاورند، اما احکامی را که ایشان با آن می‌آید رد کنند؟! اگر این قسمت از کلمات تئوفانس درست باشد، این از اشتباه و جهل آن یهودیان بود و می‌پرسم این چه ایمانی است که آنها داشتند؟! و می‌گویم ارتداد آنها موجب اشکال به اسلام و حضرت محمد ﷺ نمی‌شود؛ در تورات و در سفر تثبیه از آمدن یهوه - یا به عبارت دیگر صورت یهوه در میان مردم - سخن به میان آمده است در حالی که او از فاران و با شریعت آتشین می‌آید [۲] و بدون شک این فرد حضرت محمد ﷺ است که از فاران و با شریعت آمد [۳] بنابراین هر حکمی که او در زمان خود آورده باشد باید مورد پذیرش یهودیان قرار می‌گرفت و نه مخالفت آنان!

### ادعای آموزش دیدن پیامبر ﷺ ضد مسیحیان

احتمالاً منظور از تعلیم دادن مطالب نامشروع و غیرقانونی آن ۱۰ یهودی - در نظر تئوفانس - آياتی در قرآن است که به خرافاتی بودن باور مسیحیان تثلیثی و بی‌ایمانی آنها اشاره دارد؛ مثلاً این آیه:

\*آنان که گفتند: خدا یکی از [این] سه تاست [پدر، پسر، روح القدس] یقیناً کافر شدند، و حال آنکه هیچ معبودی جز خدای یکتا نیست. و اگر از آنچه می‌گویند بازایستند، قطعاً به کسانی از آنان که [به سبب چنین اعتقادی] کافر شدند، عذابی دردناک خواهد رسید\* [۴]

می‌گویم:

اگر باور به نفی الوهیت مطلق داشتن عیسی علیه السلام نامشروع باشد، پس بر پایه انجیل عیسی علیه السلام حق نیست؛ زیرا از همان انجیلی که تئوفانس به آن ایمان داشت، آشکار است که عیسی علیه السلام لاهوت مطلق بودن خود را نفی می‌کند و تنها پدر را نور مطلق یا به عبارت دیگر لاهوت مطلق می‌داند. [۵] بنابراین باید از فرستاده خدا حضرت محمد ﷺ - کسی که حقانیتش با قانون ثابت شناخت فرستادگان اثبات می‌شود - انتظار داشت که با کلماتی از سوی خدا بیاید که این باور کفرآمیز را نه تصدیق، بلکه رد کند!

درباره عیسی علیه السلام و مریم علیها السلام قطعاً از آن‌ها منجر می‌شدند و جامعه یهودی تحت فشار بیشتری قرار می‌گرفت! پس کجا بود احاطه آن ۱۰ یهودی بر پیامبر خدا طبق ادعای تئوفانس؟!

### نتیجه

ادعای تعلیم یهودیان به پیامبر صلی الله علیه و آله به طور کلی دروغ و بی‌اساس است و باور به نفی لاهوت مطلق بودن عیسی علیه السلام نیز بی‌اشکال و کاملاً قانونی و مشروع است؛ چراکه این اعتقاد هم‌سو با کلمات عیسی علیه السلام در انجیل است.

### ادعای ماندن تا ابد در کنار پیامبر صلی الله علیه و آله از روی ترس

ظاهراً به عقل تئوفانس نرسید که اگر این ۱۰ نفر واقعاً در ابتدای دعوت نوپای پیامبر خدا کافر شدند، پس می‌توانستند به هر بهانه‌ای به جای دیگری سفر کنند یا حتی در سرزمین خیبر سکونت کنند! این ادعای سفیهانه تئوفانس حقیقتاً جای هیچ دفاعی ندارد. اگر خدا بخواهد ادامه دارد...

### منابع

- ۱- گفت: «بیهوده از سینا آمد و از سعیر بر ایشان طلوع نمود. و از جبل فاران درخشان گردید. و با کورهای مقدسین آمد، و از دست راست او برای ایشان شریعت آتشین پدید آمد». (تثنیه ۳۳: ۲).
- ۲- سید احمدالحسن، عقاید اسلام، استخلاف سنت خداست، سوم. آنچه در عهد قدیم (تورات) نقل شده، ترجمه فارسی ص ۶۵ و ۶۶؛ نسخه عربی، ص ۴۷؛ سید احمدالحسن، نبوت خاتم، حضرت محمد صلی الله علیه و آله ظهور خداوند در فاران، ترجمه فارسی، ص ۴۱ و ۴۲؛ نسخه عربی، ص ۲۳؛ سید احمدالحسن، متشابهات، ج ۳، ص ۶۹.
- ۳- سید احمدالحسن، متشابهات، ج ۳، ص ۶۹.
- ۴- مائده، ۷۳.
- ۵- «ولی از آن روز و ساعت غیر از پدر هیچ کس اطلاع ندارد، نه فرشتگان در آسمان و نه پسر هم.» مرقس ۱۳: ۳۲؛ ر.ک: سید احمدالحسن، توحید، فصل الخطاب از انجیل، ترجمه فارسی، ص ۱۳؛ هفته نامه زمان ظهور نشریه شماره ۱۴۹؛ سلسله پاسخ‌هایی به بدعت اهل یوحنا دمشقی، قسمت ۱۳

## دروغ است. محور دوم. موضع قرآن درباره شخصیت‌های بزرگ مسیحیت

هرکسی با باورهای یهودیان آشنایی داشته باشد می‌داند که آنها دوشیزه بودن مریم مقدس علیها السلام هنگام تولد عیسی علیه السلام را انکار می‌کردند و انکار می‌کنند و به معجزه بودن نحوه تولد عیسی علیه السلام باور نداشتند و تا امروز نیز باور ندارند و همچنین مریم مقدس علیها السلام را تکریم نمی‌کردند و تا امروز چنین هستند. پس اکنون بنگریم در قرآن چه آمده است:

\* و در این کتاب از مریم یاد کن؛ آنگاه که از کسان خود در مکانی شرقی به کناری شتافت\* و در برابر آنان پرده‌ای بر خود گرفت؛ پس روح خود را به سوی او فرستادیم تا به [شکل] بشری خوش اندام بر او نمایان شد\* [مریم] گفت اگر پرهیزکاری، من از تو به خدای رحمان پناه می‌برم\* گفت من فقط فرستاده پروردگار توام برای اینکه به تو پسری پاکیزه ببخشم\*. [۸]

\* پس به [سزای] پیمان شکنی‌شان و انکارشان نسبت به آیات خدا و کشتار ناحق آنان [از] انبیا و گفتارشان که دل‌های ما در غلاف است [لعنتشان کردیم] بلکه خدا به خاطر کفرشان بر دل‌هایشان مهر زده و در نتیجه جز شماری اندک [از ایشان] ایمان نمی‌آورند\* و [نیز] به سزای کفرشان و آن تهمت بزرگی که به مریم زدند\*. [۹]

\* مسیح پسر مریم جز پیامبری نبود که پیش از او [نیز] پیامبرانی آمده بودند و مادرش زنی بسیار راست‌گو بود؛ هر دو غذا می‌خوردند. بنگر چگونه آیات [خود] را برای آنان توضیح می‌دهیم سپس بین چگونه [از حقیقت] دور می‌افتند\*. [۱۰]

\* [یاد کن] هنگامی [را] که فرشتگان گفتند: «ای مریم، خداوند تو را به کلمه‌ای از جانب خود که نامش مسیح، عیسی بن مریم است مژده می‌دهد، درحالی‌که [او] در دنیا و آخرت آبرومند و از مقربان [درگاه خدا] است.»\* «و در گهواره [به اعجاز] و در میان سالی [به وحی] با مردم سخن می‌گوید و از شایستگان است.»\* [۱۱]

سپس بعد از خواندن این آیات باید بگوییم که اگر آن ۱۰ یهودی در همان مذهب یهودیت منحرف شده بودند، پس هرگز مطالبی را آموزش نمی‌دادند که نفرت مردم را ضد خود برانگیزانند؛ چراکه مردم مسلمان شده پس از مطالعه قرآن و همچنین پس از آشنایی با باورهای یهودی



- ۶- مائده، ۸۲ و ۸۳.
- ۷- حدید، ۲۷.
- ۸- مریم، ۱۶-۱۹.
- ۹- نساء، ۱۵۵ و ۱۵۶.
- ۱۰- مائده، ۷۵.
- ۱۱- آل عمران، ۴۵ و ۴۶.

# مهم ترین خبر جهان!

سید احمد الحسن ظهور کرد.

ای شیعیان و دوستداران اهل بیت علیهم السلام!

فرستاده امام مهدی و دعوت کننده به سوی او، یمانی موعود،  
سال هاست که منتظر شماست.

ای یهودیان!

فرستاده ایلیا آمده است.

ای مسیحیان!

تسلی دهنده و فرستاده مسیح آمده است.

ای اهل سنت!

آن مهدی که در آخر الزمان متولد می شود، اکنون در میان ماست.

ای تمام آزاداندیشان و اهل علم در زمین!

منجی بشریت با سندی از علم و شگفتی ها آمده است.